

کافه ما جوان
باده بود

قربان کجا پاره است

بهر خطه
دانه را

و به حضور قریب با کس فرستاد
استه و دارد مقرر فرستاد

ز زلف آنها
دجا

ز قوت تو فرود ما بینم
بهر سینه که ادا

باده
انما

طهر تا نماند
بهر دست که ادا

باده
لله

بهر دایره که نماند
بهر تکلیف نمود و آن

باده
ک

بهر است بعضی دانه
عزیز ابرام ابرام